



تصویرسازی: عباس گودرزی

دیدگاه اقتصادی ابوذری به روایت علامه امینی

سرمایه آری، گنج نه!

علامه محمدحسین امینی، قبل از دهه 20 شمسی، کار پژوهش برای تدوین دائرة المعارف «الغدیر» را آغاز کرده بود، یعنی سال‌ها پیش از آن که «عبدالحمید جویده السحار» کتاب «ابوذری» را تدوین کند و علمای آن‌زهر مصر در مقابل، ابوذری را به نقد بکشند و اثبات کنند سوسیالیسم در اسلام معتبر نیست، اما وقتی در سال 68 قمری (اواخر دهه 20 شمسی) چنین کشمکش صورت گرفت، علامه امینی دفاع از ابوذری را در دستور کار خود قرار داد. جلد نهم الغدیر که به شرح عملکرد خلیفه سوم و صحابه مخالف با او می‌پردازد، به تفصیل از سیمای حقیقی ابوذری و دیدگاه او درباره اموال سخن می‌گوید. بریده این بخش از الغدیر در سال 1360 در کتابی صد صفحه‌ای به نام «ابوذری به دور از پیرایه‌ها» منتشر شده است.

آغاز دگربری

(به روایت تاریخ بلاذری) عثمان به خلافت رسید و بر خلاف خلفای پیش از خود، ریخت و پاش زیاد می‌کرد. اقوام و نزدیکانش را پیرامون خود جمع آورده بود و برای تحکیم خلافت خود، بسیار دست و دل بازی نشان می‌داد. به «مروان بن حکم» مقدار زیادی پول داد. به «حارث بن حکم»، سیصد هزار درهم و به «یزید بن حاکم انصاری» صد هزار درهم بخشید.

ابوذری که از این ماجرا آگاه شده بود، هر کجا می‌رفت این آیه را می‌خواند: «الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ». (آنان که زر و سیم را می‌اندوزند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس به کیفری دردناک نویدشان ده. توبه: 34)

مروان، خبر تبلیغ ابوذری علیه عثمان را به او رساند.

عثمان، غلام خود «ناتل» را نزد او فرستاد که: «بس کن.»

ابوذری در پاسخ گفت:

«شگفتا! عثمان مرا از خواندن قرآن باز می‌دارد و از بدگوئی خود کامگان مانع می‌شود! به خدا، با خشم عثمان، خشنودی خدا را بدست می‌آورم، نه با خشم خدا، خشنودی عثمان را. ابوذری همچنان به کار خود ادامه داد و جاسوس‌ها، باز خبر را

به عثمان رساندند. او خشمگین شد، اما این بار چیزی نگفت.»

مجلس سرنوشت‌ساز

روزی عثمان در جمع حاضر پرسید: آیا پیشوا می‌تواند از صندوق بیت‌المال مصرف کرده، در وقتی دیگر آن را جبران کند؟ «کعب‌الاحبار» گفت: مانعی ندارد.

ابوذری گفت: فرزند یهودیان! به ما دستورات دین ما را می‌آموزی؟

عثمان گفت: ابوذری، اینقدر من و یارانم را میازار. برو به شام - جایی که حقوق سالانه‌ات را می‌گیری - همانجا بمان. (ابوذری از شام به مدینه می‌آمد و برای اقامت در جوار پیامبر (ص)، از خلیفه اجازه می‌گرفت. او در شام سکونت داشت، زیرا از پیامبر شنیده بود که وقتی خانه‌های مدینه به محله «سُلع» رسیدند، باید آنجا را ترک گفت و او نیز چنان کرد).

سرانجام ابوذری به شام رفت، اما در آنجا نیز کارهای معاویه را مورد انتقاد شدید قرار می‌داد. هنگامی که معاویه کاخ سبز را می‌ساخت، ابوذری به او می‌گفت: اگر آن را از دارایی خود می‌سازی، اسراف است و اگر از مال خدا، که خیانت است. معاویه پاسخی نداشت و سکوت می‌کرد. ابوذری خطاب به او می‌گفت:

«کارهای بی سابقه است! نه در قرآن و نه در سنت پیامبر (ص) از آنها اثری نیست. به خدا، حق را بی فروغ و باطل را مورد پیروی می‌بینم. راستگويان مورد تهمت و سرکشان مورد تصدیق‌اند؛ کارهای نیک، متروک گشته‌اند.»

«حبیب بن مسلمه» به معاویه گفت: «ابوذری، شامیان را علیه تو برمی‌انگیزد. اگر تو را به آنان نیاز است، اندیشه‌ای کن.»

معاویه در این باره به عثمان نامه‌ای نوشت. پاسخش آمد که: «این ملخ را با سخت‌ترین و خشن‌ترین مرکب‌ها روانه مدینه کن.»

تبعید به ریده

معاویه به پیروی از فرمان اربابش، ابوذری را همراه بردگانی خشن، بدون توقف، به مدینه گسیل داشت. ابوذری در اولین دیدار خود با عثمان، اینگونه بنای اعتراض نهاد:

«کودکان را به کار می‌گیری و چراگاه‌ها را به خود اختصاص می‌دهی و آزادشدگان (اسلام‌آوردندگان) بعد از فتح مکه را پیرامونت گرد می‌آوری.»

ابوذری نه تنها در حضور عثمان، بلکه در شهر می‌گشت و سخنان خود را ابراز می‌داشت. عثمان برایش پیام فرستاد که از مدینه بیرون شو و جایی را برای خود برگزین. ابوذری، به ترتیب مکه، بیت‌المقدس، بصره و مصر را نام برد. اما عثمان با